

نگاهی به زندگی دوازده امام علیهم السلام قسمت مربوط به امام جواد علیه السلام**مشخصات کتاب**

سرشناسه: علامه حلی، حسن بن یوسف، ۷۲۶ - ۶۴۸ق. اقتباس کننده

عنوان قراردادی: المستجد من کتاب الارشاد (فارسی)

عنوان و نام پدیدآور: نگاهی بر زندگی دوازده امام (علیهم السلام) / تالیف علامه حلی؛ ترجمه محمد محمدی اشتهاردی.

وضعیت ویراست: ویرایش ۲

مشخصات نشر: قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۶.

مشخصات ظاهری: ۲۶۴ص.

فروست: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی؛ ۳۴۳

شابک: ۷۵۰۰ریال (جلد زرکوب)؛ ۵۵۰۰ریال (جلد شمیز) ۱۸۸۷، ۹۶۴۴۷۰؛

۱۹۰۰۰ریال (چاپ هفتم)؛ ۸۰۰۰ریال (چاپ ششم)

یادداشت: کتاب حاضر برگزیده و خلاصه‌ای با تغییرات از کتاب "الارشاد فی معرفه

حجج الله علی العباد" تالیف شیخ مفید می باشد

یادداشت: چاپ ششم: تابستان: ۱۳۸۰.

یادداشت: چاپ هفتم: پاییز ۱۳۸۵.

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

موضوع: ایمه اثنا عشر

موضوع: امامت

شناسه افزوده: مفید، محمد بن محمد، ۴۱۳ - ۳۳۶ق. الارشاد فی معرفه حجج الله علی

العباد

شناسه افزوده: محمدی اشتهاردی، محمد، ۱۳۲۳ - ، مترجم

شناسه افزوده: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. دفتر انتشارات اسلامی

رده بندی کنگره: BP/۳۶م/الف۱۷ ۴۰۱۷ ۱۳۷۶

رده بندی دیویی: ۹۵/۲۹۷

شماره کتابشناسی ملی: م۷۷-۵۲۵۰

ویژگیهای زندگی امام جواد

امام جواد «علیه السلام» پس از پدر، به مقام امامت رسید، امام جواد «علیه السلام» در ماه رمضان [۱] سال ۱۹۵ هجری در مدینه، چشم به جهان گشود و در ماه ذیقعده (آخر ماه) سال ۲۲۰ هجری در سن ۲۵ سالگی از دنیا رفت. مدت خلافت آن بزرگوار به جای پدرش و مدت امامتش بعد از پدرش، هفده سال بود. مادرش ام ولد بود و «سیبک» نام داشت و از اهالی «نوبه» بود.

نمونه‌هایی از دلایل امامت امام جواد

روایات بسیاری بیانگر تصریح یا اشاره‌ی امام رضا «علیه السلام» بر امامت فرزندش امام جواد «علیه السلام» است از جمله راویان بزرگی که به نقل اینگونه روایات پرداخته‌اند عبارتند از: ۱- علی بن جعفر (فرزند امام صادق «علیه السلام» و) عموی حضرت رضا «علیه السلام». [صفحه ۲۱۸] ۲- صفوان بن یحیی. ۳- معمر بن خلاد. ۴- حسن بن جهم. و جماعت دیگری که به خاطر رعایت اختصار، از ذکر آنان خودداری شد، اینک به چند نمونه از این روایات توجه کنید: ۱- «علی بن جعفر» در ضمن گفتاری به حسن بن حسین بن علی بن حسین فرمود: «خداوند حضرت رضا «علیه السلام» را در آن هنگام که برادرها و عموهایش به او ستم کردند، یاری فرمود» و پس از ذکر مطالبی، علی بن جعفر می‌گوید: من برخاستم و دست ابو جعفر محمد بن علی (یعنی امام جواد «علیه السلام») را گرفتم و گفتم: «گواهی می‌دهم که تو در پیشگاه خدا، امام هستی». امام رضا «علیه السلام»

گریه کرد و سپس (به من) فرمود: ای عمو! آیا از پدرم نشیدی که می فرمود: رسول خدا «صلی الله علیه و آله» فرمود: «بأبی ابن خیرة الاماء النوبیة...؛ پدرم به فدای پسر بهترین کنیزان از اهل نوبه. [۲] پاک سرشتی از فرزندان او (حضرت قائم) است؛ آواره (بیابانها) و طالب خون پدر و جدش، پنهان شده از نظرها (که مدت غیبتش آن قدر طولانی است) که در مورد او گفته می شود از دنیا رفته، یا هلاک شده؟ یا به کدام بیابان و دره ای رفته و ناپدید شده است». گفتم: فدایت کردم! راست می گویی. ۲- «صفوان بن یحیی» می گوید: به حضرت رضا «علیه السلام» عرض کردم: قبل از آنکه خداوند ابوجعفر (امام جواد «علیه السلام») را به شما ببخشد، از تو می پرسیدم (که امام بعد از شما کیست؟)؛ در پاسخ می فرمودی: «(اگر) خداوند به من پسری عطا کند (او امام شماست)»، اینک خداوند آن پسر را به شما عنایت فرموده و چشمهای ما را به وجود او روشن فرموده است، خدا آن روز را نیامده که ما با جای خالی تو مواجه شویم و اگر [صفحه ۲۱۹] چنین روزی (یعنی درگذشت شما) پیش آمد، ما به چه کسی مراجعه کنیم؟ (و او را امام خود قرار دهیم؟). حضرت رضا «علیه السلام» با دست اشاره به ابوجعفر (امام جواد «علیه السلام») کرد که در آن هنگام پیش رویش ایستاده بود. عرض کردم: «فدایت شوم! این پسر، کودکی است که سه سال دارد؟!». فرمود: «سن کم او به امامت او آسیب نمی رساند، عیسی «علیه السلام» قیام به حجت (پیامبری) کرد با اینکه کمتر از سه سال داشت». [۳]. ۳- «معمر بن خلاد» می گوید: در محضر حضرت رضا «علیه السلام» بودم، سخنی از آن حضرت (در راستای امامت) شنیدم، آنگاه فرمود: «شما چه نیازی (به امام) دارید (و چه کمبودی احساس می کنید؟) این ابوجعفر (اشاره به امام جواد) است که او را جانشین خودم کردم و مقام خود را به او سپردم، ما از خاندانی هستیم که کودکانمان (خصایص امامت) را از بزرگانمان، ارث می برند، همچون یکدیگر (یعنی همانگونه که بزرگسالانمان خصایص امامت را ارث می بردند) بدون هیچ گونه تفاوت». ۴- «حسن بن جهم» می گوید: در محضر امام رضا «علیه السلام» نشسته بودم، پسرش ابوجعفر (امام جواد

«علیه السلام» را خواست او کودک بود آمد، امام رضا «علیه السلام» او را در کنار من نشانید و به من فرمود: «پیراهن او را بیرون بیاور»، من پیراهن (حضرت جواد را) از تنش بیرون آوردم، امام رضا «علیه السلام» فرمود: با دقت بین دو شانه‌ی او (جواد «علیه السلام») را بین، من نگاه کردم، ناگهان چشمم به چیزی شبیه مهر در یکی از شانه‌هایش افتاد که آن در گوشت فرورفته بود. آنگاه حضرت رضا «علیه السلام» فرمود: «این مهر را می‌بینی؟ نظیر همین، در شانه‌ی پدرم وجود داشت». [صفحه ۲۲۰]

یک نمونه‌ی دیگر

(قبلاً باید توجه داشت که مأمون عباسی، شیفته‌ی جمال و کمال امام جواد «علیه السلام» شد و دخترش ام‌الفضل را به همسری او درآورد و بعد، آن حضرت را با احترام، همراه ام‌الفضل، از بغداد به سوی مدینه روانه کرد) بسیاری از مورخین نقل کرده‌اند: وقتی که امام جواد «علیه السلام» همراه ام‌الفضل دختر مأمون (که همسرش بود) از بغداد به سوی مدینه حرکت کردند، در مسیر خود به خیابان «باب‌الکوفه» رسیدند و همراه آن حضرت، جمعیتی بودند که او را بدرقه می‌کردند، هنگام غروب آفتاب به «دارالمسیب» رسید، در آنجا فرود آمد و برای نماز به مسجد رفت، در صحن مسجد، درخت سدری بود که هنوز میوه نداده بود، ظرف آب طلبید و در کنار آن درخت وضو گرفت (که آب وضویش به پای درخت می‌ریخت) و بعد برخاست و نماز مغرب را با مردم خواند و در رکعت اول بعد از حمد، سوره‌ی «نصر» را خواند و در رکعت دوم بعد از حمد، سوره‌ی «توحید» را خواند، سپس قنوت بجا آورد و نماز را به آخر رساند، بعد از نماز اندکی نشست و ذکر خدا گفت و سپس بی‌آنکه تعقیب نماز را بخواند برخاست و چهار رکعت نماز نافله‌ی مغرب را خواند و سپس دو سجده‌ی شکر بجا آورد، سپس از مسجد بیرون آمد، وقتی که به آن درخت سدر رسید [۴]، مردم دیدند آن درخت دارای میوه‌های زیبا شده و از این کرامت تعجب کردند و از آن میوه‌ها خوردند و دیدند شیرین و بدون هسته

است. آنگاه با امام جواد «علیه السلام» خداحافظی کردند، آن حضرت همان وقت به سوی مدینه رفت و همچنان در مدینه ماند تا آن هنگام که معتصم (هشتمین خلیفه‌ی عباسی) پس از مأمون روی کار آمد و آن حضرت را در آغاز سال ۲۲۰ هجری به سوی بغداد [صفحه ۲۲۱] فراخواند و آن بزرگوار ناگزیر به بغداد آمد و در آنجا بود تا در آخر ماه ذیقعدی همان سال ۲۲۰ از دنیا رفت و بدن مطهرش را در پشت سر جدش امام موسی بن جعفر «علیه السلام» (در قبرستان قریش واقع در کاظمین نزدیک بغداد) به خاک سپردند.

پایان عمر امام جواد

چنانکه گفتیم امام جواد «علیه السلام» در مدینه متولد شد و در بغداد از دنیا رفت و معتصم عباسی او را از مدینه به بغداد جلب کرد، آن حضرت دو شب مانده به آخر محرم سال ۲۲۰ هجری، وارد بغداد شد و در ماه ذیقعدی همان سال در بغداد (پس از ده ماه تحت نظر حکومت عباسیان) جان به جان آفرین تسلیم کرد. بعضی گفته‌اند: آن حضرت را مسموم کردند، ولی این قول نزد مصنف کتاب الارشاد (شیخ مفید) ثابت نشده است؛ زیرا روایتی که بر آن گواهی دهد، به نظر ایشان نرسیده است. [۵]. جسد مطهر آن حضرت در قبرستان قریش، پشت سر مرقد جدش امام کاظم «علیه السلام» به خاک سپردند. او هنگام شهادت ۲۵ سال و چهار ماه داشت و با القاب «منتجب و مرتضی» یاد می‌شد.

فرزندان امام جواد

امام جواد «علیه السلام» دارای چهار فرزند پسر و دختر بود: [صفحه ۲۲۲] ۱- امام محمد بن علی «علیه السلام». ۲- موسی. ۳- فاطمه. ۴- امامه. و امام جواد «علیه السلام» اولاد ذکوری غیر از نامبردگان نداشت.

پاورقی

- [۱] هفدهم ماه رمضان یا شب نیمه ماه رمضان و بعضی تولد آن حضرت را در روز جمعه پانزدهم رجب دانسته‌اند. (اعلام‌الوری، ص ۳۲۹).
- [۲] منظور از این فرزند، امام جواد «علیه‌السلام» است.
- [۳] چنانکه در آیه‌ی ۳۰ از سوره‌ی مریم آمده است که: عیسی «علیه‌السلام» در گهواره گفت: «انی عبدالله اتانی الکتاب و جعلنی نبیا؛ من بنده‌ی خدایم، به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر نموده است».
- [۴] در متن کتاب از این درخت به عنوان «نبقه» یاد شده است که میوه‌اش شبیه عناب است قبل از آنکه کاملاً قرمز گردد. (در کتاب المنجد آمده: «نبقه» میوه درخت سدر است).
- [۵] لازم به تذکر است که طبق بعضی از روایات، حضرت جواد «علیه‌السلام» توسط همسرش ام‌الفضل به دستور معتصم (هشتمین خلیفه‌ی عباسی) مسموم شد و به شهادت رسید و مسعودی در کتاب «اثبات‌الوصیه» می‌گوید: معتصم و جعفر بن مأمون، ام‌الفضل را برای مسموم نمودن امام جواد «علیه‌السلام» تحریک کردند. (شرح این مطلب در منتهی‌الآمال، ج ۲، ص ۲۳۳ تا ۲۳۴ آمده است).